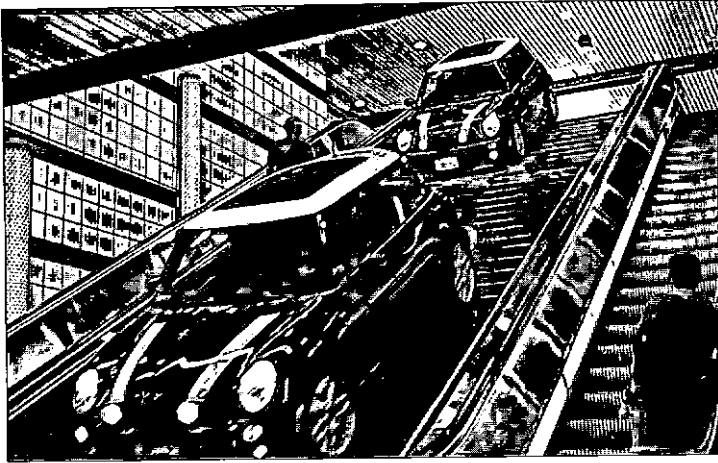


# سویهی جذاب حادثه

الناز دیمان

## سینمای اکشن

سینمای محبوب اکشن گونه‌ی رها و بیله است چرا که آزادانه و بدون هیچ محدودیتی با نیرویی مرموز و مهارناشدنی توانایی رسوخ در هر گونه‌ی سینمایی دیگر را دارد. سینمای اکشن قادر است مؤلفه‌های تعریف‌شده و آشنای خود را - زد و خورد، تعلیق، معما، هیجان، تعقیب و گریز - در بطن هر نوع اثر سینمایی جاری کند و در نهایت نام پر قدرت خود را در کنار بنده‌ی اصلی فیلم به ثبت برساند. اکشن‌های تاریخی، رزمی، علمی - تخیلی، جنگی، ترساک و ... کفایت به پسوند هر یک از گونه‌های سینمایی ذکر شده توجه کنید تا میزان نفوذ اکشن در قالبها و فرمهای مختلف سینمایی را درک کنید. تاریخ پیدایش سینمای اکشن را می‌توان دهه‌ی سی لحاظ کرد، زمانی که سینمای اکشن محدود می‌گردید به درگیری‌هایی شبیه به دعوای خیابانی و قصه‌ی قهرمانانی مبارز که دایم در جنگ و ستیز با مخالفان شرور بودند. شخصیت‌های این گونه فیلمها اغلب آدم‌های ساده و تنومندی بودند و داستان‌ها همیشه قصه‌ی سراسر است و ساده‌ی جدال بین خیر و شر بود. با این تفاسیر سینمای اکشن نیز همپای دیگر گونه‌های سینمایی رشد کرد. در دهه‌ی هفتاد اکشن‌های گانگستری یا به میدان گذاشتند، فیلمهایی که به معرفی دنیای آکنده از سیاهی تهکاران و رفتارهای خشن و ضداجتماعی‌شان می‌پرداختند. این فیلمها اکثراً با دیدگاهی انتقادی نسبت به شبکه‌های خلافتکاری و جنایاتشان همراه بود البته بودند در این میان اکشن‌های گانگستری که با پرداخت رومانیتیک‌گونه‌ی خود، سویه‌ی جذاب و باشکوه قدرت را به تصویر کشیدند که برترین این آثار به‌طور قطع «پدرخوانده»ها هستند. در پدرخوانده‌ها درگیری بین مافیای سیسیلی و پلیس دیگر چیز ساده‌ی شبیه به جدال بین خیر و شر نیست. این‌جا جنگ در واقع بین جنایتکاران با یکدیگر است و تنها تفاوت بین این دو گروه - پلیس‌ها و



مافیا - قانونی است که طرف پلیس‌ها را می‌گیرد دهه‌ی هفتاد هم‌چنین با ظهور پدیده‌ی به نام «جیمز باند» همراه بود؛ قهرمانی به‌شدت فانتزی و غیرواقعی، چیزی در حد قهرمانان کمیک‌استریپ‌های کودکانه، شخصیتی رویین‌تن و ضدمرگ و به معنای واقعی کلمه تا بن دندان مسلح! جیمز باندها با خلق دنیای غیرواقعی و قهرمانی شیک و خوش‌چهره که مدام در تلاش برای نجات این دنیای ساختگی بود - البته هست (!!) - تماشاگر را غرق در شور و هیجان می‌کردند. مخاطبان از دیدن ابزارهای فانتزی جیمز باند در هنگام مبارزه با دشمنان و تعقیب و گریزهای بی‌پایانش با ماشین‌های مدل بالا و مجهز غرق در لذت می‌شدند. دنیای تخیلی فیلم‌های جیمز باند البته همیشه طرفداران خود را داشته، اما در دهه‌ی هشتاد قهرمانانی پا به عرصه‌ی سینمای اکشن گذاشتند که نه مثل باندها خوش‌چهره و شیک و موقر بودند و نه دنیایشان ربطی به فضای فانتزی حاکم بر فیلم‌های جیمز باند داشت. قهرمانان نوظهور مردانی تک‌افتاده، تنومند و عضلانی بودند که از اوضاع دنیای پیرامونشان در عذاب بودند «راکی»ها، «رمبو»ها و اکثر فیلم‌های «آرنولد شوارتزینگر» و «ژان کلود ون دام» از این دسته هستند. هرچند پیش‌تر این فیلمها در رده‌ی به اصطلاح اکشن‌های بی‌مغز قرار می‌گرفتند اما بودند فیلمهایی که به موفقیت هم‌جانیه دست یافتند. آثاری که منتقدان و مخاطبان عام را به یک اندازه بر سر شوق آوردند، فیلمهایی مانند «تابودگر ۱» و «هرمیناتور»ها.

با گذشت زمان اکشن‌ها در دهه‌ی نود بیش‌تر سر و شکل سیاسی به خود گرفتند و جنگ میان خطوط فکری و جناح‌های سیاسی به پرده‌ی سینماها کشیده شد. این فیلمها به‌طور معمول ملو بودند از سیاستمداران فاسد و دسیسه‌چینی‌های قدرت‌طلبانه‌شان که بستر مناسبی محسوب می‌شدند برای طرح انواع فرضیه‌های توطئه‌آمیز که

در نهایت قرار بود منجر به نابودی جهان شوند و اما امروزه در قرن بیست‌ویکم شاهد تولید و اکران انواع گوناگون و جذابی از اکشن‌ها هستیم. دنیای شگفت‌انگیز و مسحورکننده که با رشد باورنکردنی فن‌آوری جلوه‌های ویژه، دیگر هیچ چیز غیرممکنی را در خود نمی‌پذیرد. اکشن‌های برتر امروزه از پرداخت صرف به صحنه‌های زد و خورد و ضرب‌آهنگ تند حوادث اجتناب می‌کنند و به اهداف بزرگ‌تری می‌اندیشند و در زیر پوسته‌ی جذاب اکشن و صحنه‌های نفس‌گیرشان حرف‌هایی هم برای گفتن دارند بهترین مثال برای این گونه فیلمها سه‌گانه‌ی «ماتریکس»ها هستند دنیای رعب‌آور ماتریکس بی‌شابهت به جهان ماشینی‌شده‌ی امروز نیست؛ دنیایی سرد و تکنولوژی‌زده که روز به روز بیش‌تر بشر را در گرداب خود فرو می‌برد. قهرمان ماتریکس «نیو» هم با قهرمانان دیگر اکشن‌ها متفاوت است. نیو در ابتدا فردی بسیار معمولی است مثل همه‌ی آدمها. چیزی که از نیو یک قهرمان واقعی برای مبارزه علیه ماشین‌ها می‌سازد نه قدرت بدنی و فیزیکی که ایمان و باوری است که پس از پشت سر گذاشتن دوره‌ی شبیه به ریاضت کشیدن آن را به دست آورده است.

در سه‌گانه‌ی «بورن» هم با اکشنی متفاوت، امروزی و مدرن مواجه هستیم که سیاست‌های سازمان جاسوسی آمریکا را به چالش می‌کشد در این فیلم دیگر از قهرمانانی مانند باند که با افتخار برای سازمان‌های جاسوسی کار می‌کنند خبری نیست. «جیسون بورن» قهرمان سه‌گانه‌ی بورن از گذشته‌ی خود و سازمانی که روزی برایش دست به هر جنایتی می‌زد، گریزان و متفرق است. سربازی خسته و فراری با صورتی تکیده که دیگر هیچ شایه‌تی به یک قهرمان شکست‌ناپذیر ندارد.

فیلم‌های اکشن در دهه‌ی اخیر چه از نظر فنی و چه از بعد محتوایی سیر صعودی داشته‌اند. پیشرفت در این گونه‌ی سینمایی در حقیقت به نوعی تضمینی

مطمئن برای فروش آن محسوب می‌شود. با نگاهی به فهرست پرفروش‌ترین فیلمها در سال‌های اخیر درمی‌یابیم که بخش عمده‌ای از این فهرست در قبضه سینمای اکشن است. سینمای اکشن با در اختیار داشتن مصالحی منحصر به خود و پتانسیل بسیار بالا در جذب مخاطب، برای سینمای تماماً صنعتی غرب، حکم چاه نفت عمیقی را دارد که هرگز خالی نخواهد شد.

### سینمای اکشن در آسیا

فیلم‌های هنرهای رزمی یکی از زیرشاخه‌های گونه‌ی اکشن هستند؛ فیلم‌هایی با هویت و ریشه‌ی کاملاً آسیایی و شرقی. فیلم‌های رزمی / اکشن در آسیا متولد شدند و به خاطر ویژگی‌های فوق‌العاده جناب هیجانی و ورزشی خود به سرعت به جریان سینمای هالیوود پیوستند یا شاید بهتر باشد بگوییم این کمپانی‌های هالیوودی بودند که به عمق غنای هنرهای رزمی و پتانسیل بالایشان برای آزاد کردن انرژی روی پرده سینما پی بردند و با جذب ستارگان اکشن از شرق به هالیوود تا سال‌ها از این هنر کاملاً شرقی برای عمق بخشیدن به صحنه‌های اکشن و فروش آثارشان استفاده می‌کردند. اما با ظهور کارگردانان بااستعدادی چون «ژانگ ییمو»، «جان وو» و «آنگ لی» سینمای رزمی / اکشن در آسیا جانی دیگر یافت. فیلم‌های کونگ‌فوئی و سطح پایین جای خود را به آثار فاخری چون «بیرگران، آزدهای پنهان»، «قهرمان»، «خانه‌ی خنجرهای پرنده» و ... دادند. تزریق سرمایه و به‌کارگیری نیروی کاملاً متخصص و حرفه‌ی کار خود را کرد و حالا این فیلم‌های چینی هستند که در گونه‌ی اکشن / رزمی در دنیا سروری می‌کنند. اصالت نهفته در این آثار که به پشتوانه‌ی فرهنگ کهن و اصیل سرزمین‌های شرقی به وجود آمده یکی از اصلی‌ترین عوامل موفقیت این گونه آثار در دنیاست.

با ساخت فیلم زیبای قهرمان بابی تازه در سینمای رزمی / اکشن باز شد ژانگ ییمو با در هم آمیختن هنر سینما، ووشو و مفاهیم عرفانی اثری مسحورکننده خلق می‌کند که با شعر پهلو می‌زند «اجر ایبرت» در مورد قهرمان گفته: «قهرمان، فیلم زیباییست. این فیلم، گویای آن است که چگونه می‌توان در یک فیلم گونه‌ی رزمی، خشونت و اکشن را به شعر و فلسفه و باله تبدیل کرد». فیلم‌های بعدی ییمو مانند خانه‌ی خنجرهای پرنده و «فرفین گل طلایی» هم از برادر بزرگتر خود پیروی می‌کنند و به این ترتیب سه‌گانه‌ی شگفت‌آور این کارگردان چینی تبار تکمیل می‌شود. خانه‌ی خنجرهای پرنده از نظر زیبایی‌های بصری به پای اثر قبلی کارگردان یعنی قهرمان نمی‌رسد اما پیام شاعرانه‌ی فیلم به همان زیبایی است که

قبلاً در قهرمان دیده بودیم. آخرین اکشن پرخرج چینی «صخره‌ی سرخ» است که به‌تازگی اکران جهانی خود را پشت سر گذاشته است. دولت چین در راستای هدف شناساندن فرهنگ غنی و کهن خود به مردم دنیا پرخرج‌ترین فیلم تاریخ آسیا را تولید و همزمان با المپیک پکن فیلم را روانه‌ی اکران کرد. اکشن پرزرق و برقی که از روی یکی از افسانه‌های کهن چینی ساخته شده است. فیلم البته هرگز به زیبایی آثار ییمو نیست اما از نظر فرم هیچ فرقی با نمونه‌های هالیوودی خود ندارد. حال دیگر سینمای اکشن / رزمی در چین به بلوغی انکارناپذیر رسیده است به طوری که پخش‌کننده‌های جهانی برای خرید امتیاز پخش و اکران این فیلم‌ها با هم رقابت می‌کنند.

### سینمای اکشن در ایران

دهه‌ی شصت اوج رونق سینمای اکشن در ایران بود. سینمای اکشن در همین دهه متولد شد، دوره‌ی رونق را طی کرد و به سرعت رو به افول گذاشت. فیلم‌های حادثه‌ی این دوران اغلب آثار بسیار تازلی بودند که داستان بیش‌ترشان حول محور قاچاق مواد مخدر و درگیری پلیس با قاچاقچی‌ها - در بیابان - می‌گشت. این فیلم‌ها فاقد ارزش‌های هنری بودند اما فروش خوبشان به‌ویژه در شهرستان‌ها باعث شد شاهد تولید انبوهی از این دست فیلم‌ها با موضوع و حتی بازیگری مشابه باشیم تا حدی که تماشاگران ساده‌میسند هم دیگر روی خوش به این آثار نشان ندادند؛ فیلم‌هایی مانند «لفعی»، «قافله»، «تیش» و ... اما سینمای اکشن در ایران وجهی دیگر هم دارد که همان سینمای جنگ است. فیلم‌های با محوریت موضوع جنگ به نوعی زیرمجموعه‌ی آثار اکشن محسوب می‌شوند. در این زمینه سینمای

ایران به توفیق‌هایی دست یافته و آثاری مانند «مزرعه‌ی پدری»، «سفر به جزایه» و «دوئل» - که پرهزینه‌ترین فیلم تاریخ سینمای ایران هم است - در صدر فهرست آثار موفق اکشن / جنگی در ایران قرار می‌گیرند. اما هم‌چنان سهم سینمای ایران از گونه‌ی محبوب اکشن بسیار اندک است به طوری که از ۱۴۰۰ فیلمی که از سال ۱۳۵۹ تا به امروز ساخته شده‌اند چیزی کم‌تر از ۱۰۰ فیلم در حوزه‌ی فیلم‌های اکشن و حادثه‌ی بوده‌اند. گردش مالی ناچیز در سینمای ایران بی‌تردید سهم عمده‌ی در این امر داشته است. تولید فیلم اکشن پرهزینه و پرزحمت است و تهیه‌کنندگان تمایلی برای به خطر انداختن سرمایه‌شان برای ساخت صحنه‌های اکشن ندارند. آن هم در شرایطی که مخاطب امروز با اکشن‌های سطح بالای جهانی کاملاً آشناست و هر صحنه‌ی اکشن نازل و بی‌کیفیتی را نمی‌پذیرد و باور نمی‌کند. البته مشکل اصلی در این گونه‌ی سینمایی سرمایه‌ی کافی است اما در قدم‌های بعدی، کمبود فیلمنامه‌نویس متخصص، کارشناسان فنی، امکانات حرفه‌ی و در نهایت عدم رغبت کارگردانان برای ساخت یک اکشن خوش‌ساخت از دیگر دلایل مهجور ماندن سینمای اکشن در ایران است. در حال حاضر کمبود تنوع گونه در سینمای ایران به شکل یک بیماری درآمده است و فیلم‌های تولیدشده اغلب در حوزه‌ی درام‌های خانوادگی و کمدی‌های عامه‌پسند محدود شده‌اند. آن هم در شرایطی که تاریخ و پیشینه‌ی ایران زمین منبعی بسیار غنی برای تولید آثار فاخر در زمینه‌ی اکشن‌های تاریخی است. فیلم‌هایی که اگر روزگاری ساخته شوند، شاید بتوانند تنها گوشه‌ی از عظمت و شکوه فرهنگ و تمدن ایران را به جهانیان معرفی و با آثار دروغینی مانند «۳۰۰» مقابله کنند ■

